

آیند و پس به همت و هوش و بود و رشت استوار مانند اویره
 پیدایش سخن نشوئه برای آن بوده که درگاه آشکارانی بیمار بهای گسترده
 نشوئه از مردم خود را از یکدیگر جدا و پاک دارند تا بیماری
 و آلودگی یکی بد دیگری نرسد

آتش بر شوم چیست؟ آتش بر شوم سرو کوه پاره می باشد و
 نشوئه را برای آن بر شوم گویند که نخت در هنگام شست و شو باید
 آب بر ریخت

هوشنگ شاه چگونه آتش را پیدا کرد؟ گویند چون تا هنگام خسرو
 هوشنگ هنوز مردم آغز و بوم آتش ندیده بودند و زوی هوشنگ شاه
 در دامنه کوهی ماری بزرگ دید بهرامان پرمود همه جانداران
 پرمانه را بستند و گویا این دشمن باشد که هنوز سر برمان را نیاورد
 بد از وی سنگی بسوی مار افکند و پیرمان امروز از سنگ بر سنگی

دیگر خورده آتش جهانند و مار را بسوزانید همانگاه هموشنگ شاه
 و پسرانش سپاس خدای را بجای آورده خاشاک بر آن نهادند
 و برای نگاهداشت آن جانی اویره ساختند و هوشنگ شاه را از آنرا
 یافته مردم را به بختن خوراک و ساختن چیزها و پرداختن اشترار آن
 آن رهنمونی پر بود

دمانه بهرامی که مردم امید دارند کدام است؟ در حرم بیادمانی خشم ششم
 باز نماید که هنگام رانشی و آسایش و نکوئی و پیراستگی جهانزادمان
 بهرامی سرآیند و بهرام در آنگاه پدید آید چه که آرش بهرام بجهت رانش
 و آن هنگامی است که کیهان پراز نکوئی و رانش باشد

بایستی و پیمان اندرز گواه گیران

درگاه گواه گیران برای دانا و دپوک چه اندرز و پیمان بجا آید؟ اندرز و
 پیمانی که در هنگام گواه گیران بجا آید چنان است

(نخت برای داماد است که مؤبد سر آید)

(بنام آفریننده جهانها و پیوند سازنده دل و جانها)

نخت از امروز امیرزاده گروه امید و آیفست داریم که این سر خنده سورا

همایون داشته سر اسر روزگار داماد و پیوک را بشادی و راشنی

و کامکاری و فیروزی و یکدلی و مهر بانی و خدا پرستی و آبادانی

خانواده انباز و بر هر کار نیکی که امید بندند بس نیاز دارد و از

پیوند این نوحه لالان گلستان پاکد امنی برد بار راستی و درستی

و سر زندان خدا ترس سر دشی کردار پدید گردیده بسی خانهای سر

و سامان از پر تو جو انردی و کامرانی آنان سر مرغ هستی و زیور زند

ایمنی یابد و در آیین مزدیسنی و راستی و پاکی پاینده مانند

پس ای داماد خجسته ترا و باید دانست که این بزم برای پوکانی شما

که فلان سر فلانید با فلان دخت فلان آراسته و این گروه آبخشینیان

از این پویند ارجمند در پیش خدای پر و سف آگاه گواه خواهند بود
 فلان دخت فلان که دل به پویند شما در داده تا در خانه پدر میسبود
 پرستاری و پاس و پرورش او و ام پدر و مادر میسبود پن اکنون
 که بشما می پویند پرستاری و نگاه بانی او بگونه نیکی چنانکه باید و شاید
 بشما و از شما به بخشایش پروردگار محسب بان سپرده است شما که امر و
 پیمان پویند با فلان دخت فلان میسباید باید تا پیمان زندگی با این پویند
 بی آنکه هیچکس دل بدگیری بندید و با دیگران هم پیمان پویند شوید
 یا جدائی گزینید و رشادی اندوه و تو انگری و درویشی با هم بکند و
 یگانه و در همه چیز ابناء باشید و هرگونه که از وادار محسب بان امید دارید
 همانگونه با یکدیگر رفتار کنید و مهربانی بجا آورید چنانکه اکنون پیمان
 و امید یکدیگر می پویند پیمان شکنی و ناامیدی که ناپسند امور مردم
 و کیش خدا پرستی است نباید در میان شما آید و باید از هرگونه زشت کاری

و نادرستی کناره جوئید و بر استی و پاکی و یکدلی گزاید تا نزد افسریدگان
 و افسریدگان ستوده گردید و پاداشش نیک از دادار فیروز گز
 یاید و کامران شوید

(دانا گوید)

بر این پیمان گزین استوارم و از دل و جان بخواهی امروز از او اسب
 و دنان این بزم پذیرفتم

(باز مؤید گوید)

از آنجا نیکه خسرو با پراننده است و برای گردآوری آن امروز از او
 رهنمون بر ببری خوشتر زشت در او دستا پروده است که کامرانی
 مردم جهان بدست نیاید مگر بکار انجمن و کنکاشش بدان روی ای دانا
 در این هنگام شما باید پیمان کنید که بی کنکاشش نیکخواهی ای سپهر
 و از رهنمونی نیکخواه خویش سر نه بجد

(واما دگوید)

فلانکس را پذیرفتم برای اینکار و یا گوید پیمان میکنم که بی کفایتی
نیخواه خود را بی نسیرم

(باز مؤید گوید)

ای واما دچنانکه بکار خود روزگار میگذرانید هم باید از بندگی
آفریننده خود دور نشوید هر چند همه هنگام باید خدا او پرمانش را
در دل و دیده داشت هم بایسته است که بفته یا کشته ماهی مگر روز از کار
جهانی و ارسته و با سایش آن روز را در بندگی خدا بسر برید بدزوی
روزی را نامزد کنید تا در آن روز و ام بندگی خود را بچند پروازید
(واما و در اینجا باید روزی را نامزد کند و پیمان نگاه دارد)

(باز مؤید گوید)

ای انوشه بایسته است که سخت اگر گذشته در پرستش و بندگی خدای بکتاب

فروگذاشتی نموده از اکنون پیمان کنید که همه روزه کتبه نماز نگاهدارید
 بجا آورید و در دستهای بایسته آئینی استوار باشید دوم از نگاهدارید
 گاه بنبار و آفرینگان با در آئین مزدیشی ستوده و شوه زندش و
 آفرین و برای دستگیری افتادگان و ناتوانان و یاد دنیاگان
 و خواستار آفرزش گناهان میباشد هرگاه دست رسی دارید
 بر چهره یک و گرنه کمر در خانه خود بپا دارید و چنانچه یارش آنهم
 نداشته باشد باد بگیران که بر پامید دارند انبازی و رزیده تا شوه
 خشودی و اور سهمیت و آبادانی خانواده باشد سوم دستور
 و موبدان را که پیشوایان دین و راه نمایان آئین اند باید با ارج دارید
 و او ستانانیکه از نماز و بندگی خودتان جداست با آنها سپارید
 تا بایسته آئینی را بجا آرند و چنانکه در کار خود کوشا هستید در کار
 نیالگان هم فروگذاشتی نشود چهارم پوسته باید سدره و گشتی که

جامه و کمر بندگی خداست در بر و کمر داشته به هومت و بوخت و
 بود رشت استوار باشید پنجم پاکی و راستی را که بسی در او استایا
 کند از بایستی نای زندگی خود دانید و بدانگونه روزگار گذارید و
 از هر گونه پلیدی تنی و جانی و روانی دوری گزینید و با بر شوم
 آیینی آیینی دل و دیده را پاک نماید ششم در پاک داشتن چها
 آتشگان که آتش و آب و باد و خاک اند باید فنز و ن بر مهر داشته
 باشید تا از آلائش آنها رنج و سختی نبخورد کسی نرسد و آن پاکی بسوی
 پاکان باز گردد هفتم بدی نکنید و باید کاران یار شوید و یاور ی بد
 کاران نماید هشتم مهربانی و نیکوئی بجای مهر بان و نیکان و نیکان
 و بر دباران و بی آزاران بایستی است نهم داد و دهش و بخشایش
 بارزانیان فنز و ن سوده و بایستی است دهم ساختن دیر استایا
 و بیماریار خانه تا و آب انبار تا و پایه نای نیک بایستی است یازدهم

آموختن دانش و هنر و آموزش دادن بزرگان و فرزندان و خویش و بیگانگان
 شوه افزایشی و راهش و بجزوری و فیروزیت و دوازدهم آن
 ناپرسرگاری و نادرست کاری و دروغ و آزمندی و ناپرمانی
 و دشنام و سرکشی و خود ستانی و سخت دلی و سوگند دروغ و شرار گوئی
 و نابجوانمردی و تو مار کاجی و روسپی گری و روسپی بارگی و دشتیان
 و خشم و دورنگی و کینه و رشک و زکاره و ناداد گری و کدائی و دزدی
 و راه زنی و بیکاری و جادوگری و مانند آن و دوری گزینید تا بخشم
 خدای تو انا و ناستودگی کردار خود گرفتار نیاید و بکار ناپسندیده
 خود در نمایند نیز دهم پاکدلی که بایسته تر بایسته است بایستی
 چهاردهم دیده دل جان از زن و فرزند و خواسته مردم پاکدلی
 بایستی پانزدهم بزرگ و گرامی داشتن و پرمابری آموزگار و پدر
 و مادر و نیکو اهلان بایستی شانزدهم فرارونی و پارسائی و پرهیزگاری

و رسانیدن وام و تسروتنی و بردباری و اندرز شنوی و داشتنی و
 مهر و آزر و گواهی راست و پیمان نگاهداری و نکوفی با سستی است
 بنده هم پرمانبری خسروان و پرمانروایان از با بسته های بزرگ است
 و ستایش بدینگونه باید نمود خسروان را که اگر امروز امیر و دارا آخرین می
 بود در خواست دارم که زندگی پادشاه دادگر پاینده و کشور و کشور پایش
 همسر و داد آباد و آراسته و بکار مکاری و نیر و مندی انبیا

بار

(دادا گوید)

پیمان میسنایم و از امروز امیر و ایاوری میجویم تا از هر بدی که شاه
 دشمنت و دروخت و دروشت است بگریزم و به بومت و بهوخت
 و بهو درشت بیا میزیم

(از پویک) پرسش شنودی این پویکانی نمایند تا)

(برابر باشند خوشنودی خود را به آری گفتن اشکار کند)

(بنام خدای توانائی که پیوند سازنده دلهما و نگاهدارنده جاهتا)

ای فلان دخت فلان که در این انجمن گواهان میباشید و این خجسته

بزم برای سوره و سوگانی شما با فلان پسر فلان برپا شده است و

فلانی را برای گواه گرفتن از سوی خود به برکاری برگزیده اید ^{خوشنودی}

خداوند مستنون و بخشودی امثال پنداران فیروزگر و بخشودی

پدر و مادر و بخشودی خود شما بگواهی باشندگان این بزم گواه شما

که فلان دخت فلان اید با فلان پسر فلان گرفته میشود که تا پایان زندگی

بیکدیگر و مهربانی و پاس جان و خواسته و هستی یکدیگر در ناز و نوس

در آسایش و درویشی و توانگری یکدیگر انباز بوده هیچک

دل بدگیری نبندید و با دیگری هم پیمان و پیوند نشوید و از یکدیگر جدا

نگزینید و در ناه پروژگار حبه انیان با هم بهر و یگانگی زیونید

آیا از پذیرائی قسطنطنیه پسر فلان شوهری خود به پیمان این مزدیستی
 خشنودی و ارید و قسطنطنیه از سوی شما برای گواه گرفتن بر کار در عا
 (پوک باید پانچ دهد که آری) چون پوک آری گوید باید این
 نیایش را موبد بزبان آورد + به بخشایش آموز از دای هر و سف اگاه
 و خشنودی شما سپندان امید داریم و آیفست داریم که این سوگر را
 خسته داشته نیروی پرمانسرداری سراسر این اندر زنا و پیمانها بد
 و پوک بخشاید تا گونه کارمکاری در امش و آسایش و یکدی و
 پاکتی در راستی با پروبار فرزندان و فرزند ز اولگان خدا پرست
 روزگار گذرانند و بنسیر و وفروزی انباز و در همه کار با هم سهیل
 و راز بگرمی و خوشبختی و مساز باشند و بی نیازی در جهان پانند

این نامه گرامی

که از فرسوخ گوهر تابناک دانشمند

فرزانه بافته (ارباب کهنه پرو) پور شاهرخ کرمانی

بخسته نمایند که در شش و دم سوم و چهارم کنکاشین

ایران تابنده است بخاتم این گهنگار شرمند

مرقضى الحسينى رسال كچيرار و سيد سى زه تارى ^{۱۳۳۹}

انجام پذیرفت

فرهنگ

		دائرة الف	
اسم پادشاه قدیم توران	ارجاسب	قانون و مذهب مسلک	آمین
بکشیدن و مستحق و احسان	ارزانی	معمور و درود بخشن	آبادان
مستحقین	ارزنان	اگر چه پدر فریدون بود به	آبتین آبتین
معنی	ارزش	آبتین است که با مقدم بر تار باشد	
خم میان پنج دست و بازو	ارنج	معنی آن پیدایش از آب است	
بل	اری	لکن صحیح آن آبتین میباشد که تا	
طبع و حسرم	آرز	مقدم بر باء باشد یعنی کامل لغت	
رنج و محنت و صدمه	آزار	نیکوکار	
رنجاندن و اذیت کردن	آزردن	واضح و آشکار و غیر مرموز	آر خنده
شرم	آزرم	تجاوز	آندمانی
امتحان و تجسبه	آزمایش	عنصر که معرفت آن آتش است	آتشک
طکاری	آزمندی	آتش	آرد و آذر
امتحان و تجسبه کردن	آزمودن	عزت و آبرو	آرنج
بالتجربه	آزموده	غز و آبرو مند	آرجمند

نام قلعہ و شهری فارس	الودن	ناما ک کردن
برگزیده و بسیار پاک و دانا	آمزش	بخشایش گناه و مغفرت
اقرار داشتن و قائم بودن ثبات	اموخن	یاد گرفتن
ریج و صدمه و آفت	امودن	پر کردن
روشن و واضح	اموزادن	یاد دادن
پاک و مقدس	آموزگار	مستعمل و مرتبی
خانه و لانه	آمیخ	حقیقت
اول	آمیغی	حقیقی
خالق و آفریننده	انگاز	شریک
تحسین و آفریننده	انباشتن	پر کردن
خلقت	انجام	آخسر
باب کار + ابزار و افزار یکی است	اندرز	پند و نصیحت
زیادی	اندوخته	جمع کرده
باخبر	اندوه	غم و غصه
آلودگی و لوث و عیب و ناپاکی	اندی	کمی دانندگن وقت

خداوند	آهوز افروا	خیال	اندیشه
خداوند هستی بخش نورا نوار دای نورا	ایزو	روح کاش و مصلح روح تیر گابدی نیا	انگیزه
فرشته نیایش سزا	انیش	بخت و پا کردگی	انگیز
توقف و درنگ	انفت	باعث و سبب	انگیزه
عاجت و مراد	ه	عمو	اودر
دوره باء	با ارج	تخت	اورنگ
آردمند و با عزت	بابل	بامی تخت	اورنگ گاه
شهری در کنار رود فرات	بادرام	نام کتاب مقدس ندرتینا و معنی روشن	اوستا
رحمت	باوه	عزف	اوند
شراب و مسکرات	باوه پیمان	مخصوص و خالص	اویزه
آشامیدن مسکرات	بار	خاصان	اویرگان
میوه و عم و سنگینی و دیدن گانه و عیان	بارور	تعیین و معین کردن	اویش
میوه آورنده	بارمگروه	دل بینی و دشمنانی و شیطان	اویرمن
بارعام	باز استاد	تصد و آواز	آهنگ
موقوف داشتن	باز شد	ذات هستی و نور الانوار نم	آهوزا
پس گرفت			

بازمانده	باقمانده	بست	صورت ساختگی
باز نمود	مسی دستش و توخ دیوان	بخردان	عاقلان
باز	باج و خراج	بخروی	عاقلی
باستان	قدیم	بخشش	قسمت و بهره بخشنده و بخش
بالا	قد و قامت	بخشش	عطا و نعمت و آرزوش
بالان	بلند شونده و نموکننده و فخر نایند	بدانروی	از آنجمله
بالش	فخر و بلند شدن دستگا	بر	میوه و قامت دروی
بالیدن	بلند شدن و نمو کردن و فخر نمودن	برابر	مسادی و موزون
باداد	صبح	بر بست	قانون و قاعده
بانگ	آواز و صدا	برتر	بالا تر
بانو	خانم	برخی	بعضی
بایا	جایزه و طلال	برجا	قایم و یاتی
باید	فرض و واجب است	بروبار	حکیم و فردتن
بایستی	فرض و واجب	بروباری	حکم و فردتنی
بایسته	فرض و واجب	بروده	غلام

عبادت	بندگی	بازار	بازن
غلام	بنده	فرق سرد و قلّه کوه	برششونم
زمین هموار و صاف و جند	بوم	انتخاب اختیار و مبحث نمودن	برگزیدن
باشیم	بویم	وکیل	برگزار
خوب و نیک	به	وکالت	برگاری
دارای کیش خوب و این کلمه بر ا...	بهترین	چیز	برموت
زرتشتیان استعمال شود	بهره	قانون	بر نهاد
قیمت و فخره و نصیب	بیجا	مطابق	بر آئینه
ناصح	بیخ	مجلس و انجمن	بزم
اصل	بیداد	گناه	بزه
ظالم	بیداوی	گناهکار و عاصی	بزهکار
علم	بیکاری	آواز پست فام شعر	بم
تنبی	بیکاری	آخروپی	بن
لاذهب	بیکاری	بیخ گوشش	بناگوش
غریب	بیکانه	حبس ابدی	بندچاوید

بیگان	بی شک و شبهه	پایان	نهایت و پاینده باشند
بیمارخانه	ریختن	پای بخش	چاره زانو
بیمناک	ترسناک	پایه	بنیاد و اساس و درجه
بیش	بصیرت	پست	توبه و بازگشت
بی نیاز	سستی	پدرود	وداع
۴	دائرة ماء	پدید	پیدا و آشکار
پایین	پایان و دوام داشتن	پند ز من	قول کردن
پا و آتش	مکافات و جزا و اجرت	پر تو	نور و شعاع
پا و آفراه	صحت و مکافات	پرخنده	سخن و کلام مرموز
پا و یاب	وضو و آنچه جرم آتش را پاک کند	پر دهن	تمام کردن و ختم و دادن
پار سا	پر سیرگاری و پاکدامنی	پرست	پرستش کند و پرستش
پار سائی	پر سیرگاری و پاکدامنی	پرستش	نگاه بان و موکل
پارزند	شرح و تفسیر زنده	پرستش سوی	قبله
پاس	نگاهداری	پرستشگاه	سجد و محراب
پاسخ	جواب	پرگزرد	فصل و باب

حلیفه	پوران	ولایت زمین قابل خراج	پرگت
خلافت	پورانی	حکمران	پرمازوا
پایه و بنیاد و عقب	پی	حکومت	پرمازوانی
موجودات	پیدایشها	خدای پرورنده	پروردگار
امت	پیرو	ربّی	پرورنده
ظفر و فح و نصرت	پیروزی	اصل	پروز
ولیعهد	پیره	طیب	پرشک
مجتهد و امام	پیوا	فسرده و اندوگین	پشان
پیغام آورنده و رسول	پیغمبر	جستجو کردن	پرویدن
شکل و تنه	پیکر	از کار گذشته اند و بنامک شدن	پشیمانی
عهد و میثاق	پیمان	ناپاکی	پلیدی
جام و ظرف	پیمانه	اما	پن
مساحت و راه رفتن	پیمایش	تصور کردن	پنداشتن
رفتن و آشامیدن	پیمودن	باطل و بجهود	پنوج
وصل کردن	پیوستن	پسر	پوز

اسائیس دہندہ تن	تن اسائیس	عروس	سوک
جسمانی	تسانی	عروسی	سوکگانی
راہ و لڑلہ تنگ	تنگنای	دائرہ ماہ	ماہ
توانا کی قدرت	توان	مکت و بی جنت	تا
تسلط مطلق	توانائی	توانائی و روشنائی و بہم پہنچانہ	تاب
زناکار	تومارگاڑ	بہم دیورس و حملہ	تاخت و تاز
زناکاری	تومارگاری	عرب	تاز
خالی	تھی	عربی	تازی
دائرہ جیم	ماہ	خانوادہ	تبار
لباس	جامہ	جای ہلاکت و ہلکے	تباہ گاہ
نفس	جان	فاسد و نابود	تباہ
عال	جاور	مضد و بدکار	تباہ کار
ہمیشہ	جاوید	ساعت	تسو
سوائی و تفسر	جدائی	جنس و صدمہ	تنگان
غیر و سوا	جسز	بدن	تنگ

خریدن	عوض و بدل کردن	مهر	گنبد روی و صورت
جلت	جلد کتاب	چهره	ضل و موسم
جوامز	باهمت و قوت	چیرگی	فتح و نصرت
جوامروی	همت	چیره	غالب
جهان	دنیا	۴	دائرة خاء
۴	دائرة حم	خامه	قلم
چاره	علاج و گریز	خجسته	بارک و فرخنده
چشم	معنی	خداوند	صاحب
چمیان	اهل معنی	خداوندش	کاسب و صاحب نیر
چمچه	قاشق	خسرو	عقل
چخان	چون آن و مانند آن	خستو	مترف و اقرار کننده
چنین	چون این و مانند این	خسرو	پادشاه
چندی	مدت	خسروی	سلطنت و پادشاهی
چون	چطور + زیرا که	خشم	غضب
چه که	زیرا که	خستوی	رضایت

خُصَان	زره و جوشن	داوُدش	بود و حسا
خوار	سبک و خفیف	دارو	دوا
خوشتار	طالب و خواهنده	داشده	لفظ و حرف
خوشته	مال و دولت	وانا	عالم
خوان	سفره	دانش	علم
خودبینی	عسر و ر	داور	قاضی حاکم عدالت و خدای دادگر
خودستانی	تکبر	داوری	عدالت و تضادت
خوردی	کوچکی	دبیر	منشی
خویش	خوددباسته	دبیرستان	مدرس
خویشاوند	قوم و خویش	دچار	گرفتار و بهر رسیدن
خیرگی	بھیسانی	در آمد	عایدی و دخل و شقت
۴	دائرة دال	در آوردن	داخل کردن
داو	عدل	درخواست	استدعا
داوار	عادل و داددارنده	در رفت	مخارج و مصارف
دادگر	عادل	در گذشتن	مردن و عفو و آمرزش

درماندن	عاجز شدن	دَشْتَن	حیض و حیاض
دِرُو	برداشتن حاصل کاشتن	دَشْتِیَار	غیبت و پشت سرگونی
دِرُوْد	سلام و رحمت	دَشْتِشْت	بگذاشتن
دِرُوْن	میان دشمن و باطن	دَشْوَار	سخت
دِرُوْنْد	نقد و بی بین گذاشتن	دَشْمَان	نفس زننده و دهنده و زمان
دِرُوْش	گدا و بیگنا	دَشْمَار	بهدم و یار
دِرِیَافْتَن	فهمیدن	دَشْمِیْن	طلوع کردن و نفس زنون و مهر از زنون
دِرِیُوْزَه کُی	گدائی	دَوِی	دو تا داشتن و جدائی
دِرِشْت	تسله	دَوُوْد	دوخان
دِرِوْدِش	بدوزش و خشم	دَوِزِخ	جستم
دِرِوْشْت	گفتار بد	دِش	بود و سخا
دِرِوْشْت	کردار بد	دِشْمَان	نظم و نسق
دِست بکش	دست بسینه	دِشْمَان	ضحاک و ده آنگ یعنی ده عیب
دِستور	وزیر و اجازه و قانون و رهنما	دِرِیُو	بافتن دال و کسیر و نسج و او بپوشیدن
دِستِیاری	کمک و توسط و معاونت		دلی صفا با کس دال سکون و او بپوشیدن

تبدیل	رکش	تلمج	دینیم
باز و حلال	روا	دائرة راه	له
روح و معنی و ترجمه و جری	روان	رستر	راز
رواج دادن	روبره کردن	با حقیقت و باندازه درست آمدن	راست
رستاخیز در حساب و قیامت	روزدوری	شادمانی	رامش و روشنی
نفذ و سوراخ و چخسره	روزنه	راه نما و پراه آورنده	راه سبر
قرساقی و جاکشی	روسی بازی	تابان و درخشان	رخشنده
فاشگی و زنا	روسی گری	رونیف	زده
طریق	رویش	کامل و بالغ	رسان
روینده و سبزه شونده	رویان	کمال تکمیل و بلوغ	رسائی
صفحه	رؤیه	آزاد و نجات یافته	رستگار
طهران قدیم که وصل طهران جایته بود	رسی	نجات	رستگاری
ذره	ریزه	رمانشیدن	رستن
حرک و پلیدی و پنداشتی	ریمون	رویدن و سبز شدن	رستن
دائرة راه	له	حد	رشتک

زندگی کردن	زیستن	تولد	زایش
==	زیویدن	سوله و وطن	زایشگاه
واژه زاء	۶	خشن	زیز
بیوده گوئی و مزخرف	ژاژگوئی	بالا	زیز
گود و عین	ژرف	طلا	زیز
بخس	ژکاره	عقد و نکاح	زماشویی
واژه سین	۶	شرح آورشتا	زیزد
صاف و بی نقش و رنگ	ساده	جانور بی آزار	زیزدبار
تاریخ	ساله	درود و سلام و آئین	زیزدش
اسباب دارائی و علاقه	سامان	طلاق دادن زن	زین نامی
مانند	سان	چانه	زسخ
بلج و حشر اج	سار	رحم	زهدان
سپردن و توصیه	سپارش	ضرر و خسارت	زیان
شکر	ساس	آواز بلند	زیر
شکر گذار	سپاسدار	زندگانی	زیت

سینه منو	روح گشایش و فریاد	سرام	اقدام و عظیم و اول و بانجام
شماره شانس	منجم	سری یا دافرا	عقوبت گاه
تائیدن	گرفتن	سرزدن	طلوع کردن و برین آمدن و سر برین
شایش	مدح و ثنا	سرکشی	یا نگیری و عفتان و نظارت
ستم	ظلم	سرود	مناجات
ستم پیشه	ظالم	سروری	ریاست
شودن	شایش و مدح کردن	سروش	جبرئیل و نبی و ستر بردار
شوده	مدح و شایسته	سرمایانی	زبان مردم سوریه
شوه	بتنگ آمدن	سزرا	شایسته و کفیر
شیریدن	جنگ و مرافعه و نزاع کردن	سزاوار	شایسته
سخن	کلمه و کلام و گفتار	سزیدن	شایسته بودن
سرا	رئیس	سفالین	از گل پخته
سرایب	خان و خواننده و گوینده	سفرنگ	شرح و گذارش
سرافکنده	سرازیر	سود	فایده
	شرمند	سور	عروسی شادمانی و جشن و مهمانی

سوریه	عکس از ملک بزرگ آسیا که سوریه نوح از آباد نموده و عمارت بود از سوریه دین شهرین	شماره سال	سند
سوی	جانب و طرف	شناسائی	معرفت و شناختن
ساکت	بجز و از آوده	شوند	سبب
۴	دائرة شین	شوه	سبب
شاه رخ	روی مانند شاه	شید	نور
شاید	شایسته و شدت	شیدن	نورالانوار
شایگان	شایسته شان	شدانی	نورانی
ششت	حضرت	۴	دائرة فار
شافتن	رفتن و عجله کردن	شکر	بزرگی و شان و شوکت
شکنجه	عذاب و تنبیه و سیاست	فرا تین	گفتار و سخن آسمانی + کلام حق
شکیت	صبر	فرا حدین	بهسم جمع کردن
شگون	فرخندگی و سیمت	فرا روی	درت حیاتی و در دستد صحیح
شماره	عدد	فراز	بالا و بلندی
		فرازمان	حکم و فرمان عالی
		فراوان	زیاد

بزرگ دشان و شوکت	فرهی	مبارک	فرخ
زیاد	فزون	بارک	فرخنده
بارک و منظر	فیروز	بخشنه	فرجود
فرخ و طرز و نصرت	فیروزی	پنیر بزرگ	فرعیوز
واژه کاف	ف	خسرومند	فرزانه
قات	کاریز	تمت و بهره و فصل و باب	فرشیم
کلم کردن	کاستن	دلیل و برهان	فرود
قالب + بدکن	کالبد	داخل کردن و داخل شدن	فرو
بر خورداری	کامرانی	تواضع	فروتنی
کامیاب بر خوردار	کامگار	پایین	فرو
کم کنند	گاه	کلمه شهادت	فرویت
کمی و نقصان	کاهش	صفت	فروزه
انحراف	کجروی	روشنائی و نور	فروغ
سرحد و کناره	کرانه	غفلت و اجمال	فروگذشت
حیدر و کمر	کریزی	ادب و لغت	فرینک

دارالشوری	کنکاشستان	خدا و صاحب عمل	گردگار
شیر	کنکاش آور	فصل و فتره	گروه
بچه و طفل	کودک	صواب و کار نیک	گرفه
سی	کوشش	کج	گرفته
قصر	کوشک	زارع و بزرگ	گشا و رز
کوپه	کوی	زراعت	گشا و رزی
کوچک	کیه	مزرعه	گشت زار
کوچکتر	کهنتر	طول مدت و میل و رغبت	گشیش
پادشاهان بزرگ	کیان	قاتل	گشنده
پادشاه بزرگ و شاهنشاه	کیخسرو	قیمم در برای ملکت هم بکار بر	کشور
دین و مذہب و مسلک	کیش	یکی از مالکی که کلدیان نام در آن است	کلده
تقیه	کیش پوشی	اقلا + دست کم	کسته
مجازات	کیفر	کسور سال	کسود سال
دنیای	کیهان	کار و کردار	کنش
دائرة کاف	۴۰	شورت	کنکاش

گام

گاه

گاب

گاجسته

گزارش

گرامی

گران

گراییدن

گرو

گرد آوردن

گردش

گرفزار

گرمابه

گروه

گزنند

قدم

وقت و پای تخت

مرد و پسوان

عنون

شرح

عسریز

سنگین وزن پر قیمت

برگشتن و میل کردن

دور و دور

جمع کردن

دوره

دچار و مبتلا

حمام

جماعت وقت و طایفه و دسته از آن

اسب و صدمه

گزیدن

گزیده

گسلا نیدن

گسلا نیدن

گنجهتن

گلشاه

گمان

گمشاه

گنجانیدن

گواه

گواه گیران

گواهی

گوشن

انتخاب کردن

مبوت و انتخاب کرده یا شده

چاره شکستن و پاره و جدا نمودن

شکسته و پاره و جدا شدن

شکستن و پاره و جدا کردن

لقب کبیر مس و معنی پادشاه خشکی و دریا

زیرا گل جبارت از آب خاک و

شاه بمعنی سلطان است

شکت و شبهه و پندار

نایبند و بد و بزه

بای دادن و قسرا گرفتن

شاه

عقد و نکاح

شهادت

گفتار

<p>گشتن - این لغت مرکب است از بزرگ وارزانی یعنی بخشیدن مرگ</p>	<p>مرکزانی</p>	<p>جوړیوړ رخسار و جوړ</p>	<p>بگونگون گونه</p>
<p>اجرت د انامی بزرگ و د انامی بهت</p>	<p>مړو مړوډا</p>	<p>جوړ و خلاصه هر جوړ زړه او د جوړ د نیا</p>	<p>گوهر گیستی</p>
<p>خدا پرستی</p>	<p>مړوښتی</p>	<p>دائرة لام</p>	<p>ک</p>
<p>ذرات کرم آسا که بزبان فنگی مکتوب گویند</p>	<p>مړه</p>	<p>پایه و بنا و پی</p>	<p>لا و</p>
<p>آدم اول</p>	<p>مړه شیه</p>	<p>بنا بر آن</p>	<p>لا و بر آن</p>
<p>خسر و عقل</p>	<p>مغر</p>	<p>میان و تاه</p>	<p>لاه</p>
<p>صاحب و خداوند</p>	<p>مسنه</p>	<p>رحمت و بخشایش</p>	<p>لم</p>
<p>اندیشه</p>	<p>مغین</p>	<p>دائرة مهم</p>	<p>ک</p>
<p>دانلو و زرد شو</p>	<p>موبد</p>	<p>مشل و بانند</p>	<p>مانند</p>
<p>بزرگ</p>	<p>میه</p>	<p>اندیشه</p>	<p>مت</p>
<p>آفتاب و محبت و پیمان</p>	<p>مهر</p>	<p>انسانیت</p>	<p>مردمی</p>
<p>منصب</p>	<p>مهر خوان</p>	<p>زمین برآمده و بلند</p>	<p>مهرز</p>
<p>مهره شمع</p>	<p>مهره شایش</p>	<p>حکمران و نگهبان زمین</p>	<p>مهر زبان</p>

بھیابی در دادوستد	نا فرار و	بزرگترین	مبین
ناچار و مجبور	ناگزیر	واسطه و شعیب	سیا پختی
اسم	نام	شعاع و وساطت	سیا پختگری
موسوم و خواستار	نا مزد	جهان بالا و بهشت	سینو
کتاب و رساله و خط	نامه	اُخروی و بهشتی	سینوی
کتابخانه	نامه خانه	دائرة لون	کم
ناپیدا و کیاب	نایاب	محال	نا نا
قشر زنده زاده	بغیره	معدم و نیست	نا بود
اول	نخست	بی همی	نا جو خردی
اولین	نخستین	لابد و مجبوراً	نا چار
لا عشر	نزار	نا بالغ و بی کمال	نا رسا
نسل و نسب	نژاد	نا جایز و حرام	نا روا
مرده و آنچه از مرده جدا شود	نسا	نزاع و مرضه	نا سازگاری
شایسته نباند	نسرود	نا شایسته	نا شموده
نوشه و مقصود از قراین است	نشوہ	زشت و بد و نا شایسته	نا سزا

نسیب	زیر و پائین	نور و نورید	ترجمه
نقش	خوب و خوش	نورادی	تولد تازه
نگاشتن	نوشتن و نقش کردن	نوسیره	باحثه
نگرستین	نگاه کردن	نویم	مخص و برای
نمار	اشاره	نیا	پدر بزرگ و جد
نمایش	ظهور	نیاز	حاجت
نماینده	وکیل	نیاز داشتن	حاجت مند بودن
نمشته	عقیده + عقائد	نیاز مند	حاجت مند
نمودن	ظاهر داشتن و نشان دادن کردن	نیاز نمودن	تقدیم و پیشکش نمودن
نمیرای	شرح زبردستی و گفتمان کوتاه بی تردید	نیایگان	اجداد و پدران بزرگ
ننگ	عار	نیایش	دعای از روی آری و ستایش
نواد	زبان و لغت	نیرنگ	عظیم
نواختن	ساز زدن و خواندن و طلبیدن	نیرنگ	فریب و حیل
نوازش	بخود خواندن و مهربانی کردن	نیرو	قوت و قدرت و توانائی
نوازنده	ساز زنده	نیست	خوب

نیمروز	نهر	در ششم	تنت و بهره و فصل و باب
۴	دائرة واو	وزان پس	و بعد از آن
وابسته	پرده و سوط و منخر و خویش پوی	و گر	و اگر
و ا پس	عقب	و گرنه	و اگر نه + و آ
و ا پسین	آخسین	و ناه	گناه
واج	لب از گنا رستن	و ناه بکار	گنا بکار
وار	مانند	و مان	نیکان و خوبان
و ارسته	آزاد و مطلق	و همین	اندیشه و ضمیر نیک
و ازاده	اولاد زاده	و یران	خراب
و ازگون	سزگون	۴	دائرة مای
و اثره	کلمه	مای	آیه
وخت	گفتار	بر نر زیدن	قتل و دادن
و خور	پیغمبر و رسول	پروسیف آگاه	وقف بر همه چیز
و رزیدن	کردن	هست	ایجاب و ذات و وجود
و رشت	کردار	هستی	وجود

دانا می بین انگبان روشناسی	همیر بد	همیشه	هماره
مرد بی زن تنها خوابی و آسوز گاری	همیر سالی	مبارک	همایون
هر طبعی که از زنده جدا شود	همیر نسا	شریک	هم بهره
دائرة مار	بچه	بگی	همگان
توانائی	پارِس	شفقتاً و عموماً	هم کرده
گمک و رفاقت	پاری	صاف	هموار
قانون	پایسه	همیشه	همواره
قانون	پاسون	صدا و مخالف	همپتار
پیدا کردن	پافتن	صدیّت و مخالفت	همپتاری
مدد و توضیح	پاوری	اثر دناشیر	هنایش
مخفف یزدان و جسم یزدینی و شگانه نیایش	یزدان	وقت و زمان	هنگام
نار و دغا	یزشن	گفتار نیک	هوخت
پرستش	یسنی	خسرد	هوش
آبیکه که رنگ بود زه آن نگشته باشد	یغفر	اندیشه نیک	هومت
مکانه و بی جنت	یکتا	کره ارنیک	هو و شت
یکجور دسا و یگانه متحد	یکسان		

چون در نگارش این نامه حسرت بود مگر در نوشته ام لا در آن سرز انگانی که نامهایشان نوشته
 نخواهش خویش انبازی پر موده تا پس از انجام چاپ هر اندازه برای در رفت آن پرداخته شد
 باشد بی کم و بیش از روی بهره هر یک برابر شماره که انبازی نموده اند در پیش یا در همگان سپاس

دشمنان ایران

جلد	نام	جلد	نام
۳۰	فرخ نهاد - ارباب بهرام گشتاب بهرام		بنامگاه بهشتی روان ناکام شاه کجند و سینه
۲۰	فرخ نهاد - میرزا مهران خداداد مهر کرمانی	۷۰	دیرستانهای زرتشتیان ایران
۲۰	فرخ نهاد - ارباب دینار شهریار بهمن - یزد	۵۰	فرخ نهاد - ارباب بهرام اردشیر
۱۸	فرخ نهاد - میرزا اسفندیار سوس بهمن	۵۰	فرخ نهاد - ارباب گیو و ارباب ستم پسران شاپور
۱۵	فرخ نهاد - میرزا اسفندیار خان رستم	۵۰	فرخ نهاد - ارباب گشتاب فریون
۱۵	فرخ نهاد - میرزا محمد سوم بهمن		فرخ نهاد - ارباب رستم خدابخش مازندار
۱۵	فرخ نهاد - ارباب بهرام جوشید جوهر در خورشیدی پارسا		بنامگاه مازندار
۱۵	فرخ نهاد - ارباب شهریار بهرام	۵۰	بنام فرزندانش نام خردان ۲۰ جلد ۲۰ جلد

جملتا	نام	جملتا	نام
۱۰	فرخ نهاد - خدارم رستم گاه سنم خود بستی اول کهنه اود	۱۲	فرخ نهاد - ارباب رشید مهربان (غریب شاه)
	فرخ نهاد - پوشنگ پد بستی روان کیومرث خادو	۱۰	فرخ نهاد - ارباب خسرو اسفندیار
۱۰	بنامگانه فرنگیس بهرام بان خست مشاهی	۱۰	فرخ نهاد - میز گشتاسب خداداد فروتن
۱۰	فرخ نهاد - مهربان خستادرم دوم	۱۰	فرخ نهاد - بهرام گشتاسب پولاد دروش
۱۰	فرخ نهاد - میز آسینان (دواداره بهرام خست مشاهی)	۱۰	بنامگانه بهشتی بان رستم دینار بدستاری با گویا
۱۰	فرخ نهاد - میز شاه بهرام فرهاد	۱۰	فرخ نهاد - میز شاه بهرام فرهاد
۱۰	فرخ نهاد - میز شاه بهرام سروش و خادو	۱۰	فرخ نهاد - رستم شیر مرد و خدایار جانش
۸	فرخ نهاد - رستم بان سپهرن یار مهربان خستادرم	۱۰	فرخ نهاد - بهرام مهربان بهرام خداوندی
۷	فرخ نهاد - میز خدارحم اسفندیار	۱۰	فرخ نهاد - فریدون رشید
۷	فرخ نهاد - جانش مهربان بنامگانه پدش مهربان	۱۰	فرخ نهاد - فریدون رشید بنامگانه اردشیر رشید
۷	فرخ نهاد - فرخ هر مزدیار مرزبان	۱۰	" " " " " " " " " " " "
۷	فرخ نهاد - خدارحم خدایار خستندی	۱۰	فرخ نهاد - رستم بهمن کوچه بسکی
۷	فرخ نهاد - رستم خدایار جانش آتایک	۱۰	فرخ نهاد - ارباب بهمن خداداد شکار تهر
۷	فرخ نهاد - اسفندیار کیفباد رستم	۱۰	فرخ نهاد - میز اردشیر خستمان خداداد کیاس
۷	فرخ نهاد - میز اکیخرو شاه بهرام		فرخ نهاد - گشتاسب مهربان کلاس خادو

جُلّت	نام	جُلّت	نام
۵	قرخ نهاد - میرزا شاه جهان شاه بهرام	۷	قرخ نهاد - خدا بخش کینیا درستم
۵	قرخ نهاد - میرزا اردو شیر گشتاسب	۷	قرخ نهاد - فیروز بهرام بنامگاه بهرام اردو شیر مرد
۴	قرخ نهاد - میرزا اردو شیر رتخان بنامگاه خرم کاشی نو آباد	۶	قرخ نهاد - رشید گشتاسب بنامگاه سفند یار گشتاسب
۴	قرخ نهاد - دنیار پاس قاسم آبادی	۵	بنامگاه گشتاسب بهرام و بهرام گشتاسب
۴	قرخ نهاد - هرزد یار گشتاسب خدابست	۵	قرخ نهاد - رستم عجبید فرود
۴	قرخ نهاد - گشتاسب نسریدانی	۵	قرخ نهاد - شاه بهرام نوشیرون
۴	قرخ نهاد - بهرام دنیار قاسم آبادی	۵	قرخ نهاد - میرزا اردو شیر رتخان بنامگاه پدرش رتخان
۴	قرخ نهاد - هرزد یار دنیار قاسم آبادی	۵	قرخ نهاد - میرزا شاه بهرام فرهاد بنامگاه پدرش فرهاد
۳	قرخ نهاد - عجبید خدا بخش قادار خرمشاهی	۵	قرخ نهاد - میرزا گشتاسب رستم سیوش
۳	قرخ نهاد - بهمن سردوش قادار	۵	قرخ نهاد - رستم اردو شیر و برادران تهران
۳	قرخ نهاد - سفند یار خدایار	۵	قرخ نهاد - خدا بخش فریدون زرتشتی
۳	قرخ نهاد - رستم حریان کوچ بیک	۵	قرخ نهاد - میرزا حریان شاهپور
۳	قرخ نهاد - میرزا سهراب بر خوردا	۵	قرخ نهاد - پرویز دنیار شهریار - یزد
۲	قرخ نهاد - میرزا سپید نهر (در دستگاه ارباب)	۵	قرخ نهاد - میرزا کینخرو شاهپور کرمانی
۱۵۴۸		۵	قرخ نهاد - میرزا سفند یار سردوش سفند یار کینخرو

دشمنان یزد

جَلتَا	نَام	جَلتَا	نَام
۶۰	فرخ نهاد - فریدون بهرام هرمز دیار بنام خودشان بنامگانه بهشتی روان ۳۰ اسفندیار بهرام هرمز دیار ۳۰	۱۷۵	فرخ نهاد - رستم موبد خسرو مهربان بنام خودشان بنامگانه بهشتی روان فرزانش دنیار موبد رستم برای دیرستان دنیایاری ۷۵
۵۱	فرخ نهاد - مهربان موبد تیرانداز موبد ارکشیر	۲۵۰	
۳۳	فرخ نهاد - جمشید موبد بهمن	۳۳	فرخ نهاد - خسرو شاه جهان برادران برای دیرستان
۳۱	فرخ نهاد - جمشید هرمز دیار جمشید بنامگانه بهشتی روان هرمز دیار جمشید بیان	۲۵	شرف آباد اردکان اندرآباد مزرعه کلانتری ۱۵ ۱۵
۲۵	فرخ نهاد - جمشید دختارحم ولدان شهریار	۱۵	علی آباد کریم آباد نصرت آباد کوچ بویک ۱۵ ۱۵
۲۵	فرخ نهاد - سهراب مهربان سفرنگ بنام خود بهشتی روان مهربان اردشیر رستم بخت	۱۵	خوشاه قفت مراباد هم بارگورین آباد ۱۵ ۱۰
۲۵	فرخ نهاد - فرزندان بهشتی روان رستم بهرام مهربان کنعاد	۲۵	قاسم آباد دیرستان خسروی ۲۵
۲۵	فرخ نهاد - شهبه یار بهمن و سپر	۲۲۵	قنات خان کرمان جو پار کرمان ۲۵ ۱۰
۲۵	فرخ نهاد - مابن رستم مهربانی بنامگانه بهشتی روان رستم مهربان باس	۱۵۰	فرخ نهاد - شاه پور گشتاسب بنامگانه بهشتی روان بنامگانه بهشتی روان بهمن جمشید گشتاسب رستم جمشید گشتاسب ۷۵ ۷۵
۲۵	فرخ نهاد - هرمز دیار رستم کوچ بویکی یازدستان	۱۰۰	فرخ نهاد - رستم کبیر و دیران (کیانیان)
۲۵	فرخ نهاد - سروش بهرام برادران بنام خودشان بنامگانه بهشتی روان کبیر ۱۵	۷۷	فرخ نهاد - خدارحم هرمز دیار بهرام
۲۵	فرخ نهاد - خازان پولاد	۶۰	فرخ نهاد - اردشیر سروش یار اردشیر بنام خودشان بنامگانه بهشتی روان سروش اردشیر ۲۷

جُلّت	نام	جُلّت	نام
۱۰	قرخ نهاد - باس مهربان	۲۰	قرخ نهاد - شهریار خداداد پیمان فرمشاهی
۱۰	قرخ نهاد - خداداد موبد هرمز دیار	۲۰	قرخ نهاد - رشید کینیاور رستم و برادران
۱۰	قرخ نهاد - گشتاسب و خداداد پیراموبد شهریار نامدا	۱۵	قرخ نهاد - کنخیر و نظراب
۱۰	قرخ نهاد - هرمز دیار موبد بهرام اردشیر	۱۵	قرخ نهاد - شهریار هرمز دیار شهریار
۱۰	قرخ نهاد - خدامراد و گشتاسب پیراموبد مینا و خداداد	۱۵	قرخ نهاد - موبد سرشس موبد هرمز دیار با پسران
۱۰	قرخ نهاد - خدابخش موبد کنخیر و با پسران	۱۲	قرخ نهاد - فریدون نوشیروان کیناشن ساغانه بهشتی رستم نوشیروان
۱۰	قرخ نهاد - بهمن کنخیر و مهربان	۱۱	قرخ نهاد - نامدار موبد رشید موبد خورشیدچی
۱۰	قرخ نهاد - خرد و خدابخش پیراموبد فریدون	۱۰	قرخ نهاد - رستم خدامراد
۱۰	بهشتی روان خداداد پیمان شهریار فرمشاهی	۱۰	قرخ نهاد - رستم اردشیر و برادران
۱۰	قرخ نهاد - کریمداد رشید	۱۰	قرخ نهاد - سفندیار رستم کوچه بیوگی
۱۰	قرخ نهاد - مهربان رستم تشکر	۱۰	قرخ نهاد - هرمز دیار اردشیر
۱۰	قرخ نهاد - شهردان ایران فرمشاهی ساغانه بهشتی	۱۰	قرخ نهاد - بهرام موبد سفندیار بهرام
۱۰	همراه اش منبیر بهرام و بهشتی روان خورشید	۱۰	قرخ نهاد - جمشید موبد بهرام جمشید
۱۰	مستی شهردان	۱۰	قرخ نهاد - نامدار کنخیر و مهربان
۷	قرخ نهاد - رشید مهربان خدابخش خرد و جمشید خورشید شاه	۱۰	قرخ نهاد - نوشیروان موبد نامدار

جَلتا	نام	جَلتا	نام
۵	قرخ نهاد - فریدون رستم نوشیروان	۷	قرخ نهاد - رستم مرزبان جمشید و فادار
۵	قرخ نهاد - فولاد نوشیروان	۷	قرخ نهاد - اردشیر موبد خداداد رستم
۵	قرخ نهاد - رشید موبد بهرام	۶	قرخ نهاد - مهربان بهمن
۴	قرخ نهاد - مهربان اردشیر سپه رستم فولاد خرمشاهی	قرخ نهاد - مهربان استاد بهرام	
۴	قرخ نهاد - شهریار کنخیر و ماونداد	بنامگانه بهشتی نواد پیش بنامگانه بهشتی دان استاد بهرام ادریس مهربان و ادریس	
۳	قرخ نهاد - مهربان بهرام	۴	قرخ نهاد - رستم بیان خرمشاهی
۳	قرخ نهاد - شهریار بهرام فولاد	۵	قرخ نهاد - بهمن رستم اردشیر شریف آبادی
۳	قرخ نهاد - منوچهر خسرو شاه	۵	قرخ نهاد - خدای جسم اسفندیار
۳	قرخ نهاد - سروش بهرام بیان جیوه خرمشاهی	۵	قرخ نهاد - دنیسار موبد خسرو
۳	قرخ نهاد - شاه جهان کنخیر و نامداد	۵	قرخ نهاد - اسفندیار خدای بخش
۳	قرخ نهاد - اسفندیار سروش و پسران	۵	قرخ نهاد - خدای اردشید خداداد با پسران
۳	قرخ نهاد - موبد بهرام موبد بهرام	۵	قرخ نهاد - خدای بهرام خرمشاهی
۳	قرخ نهاد - بهرام موبد بهرام و موبد	قرخ نهاد - موبد خدای موبد شهریار بنامگانه بهشتی دان	
۳	قرخ نهاد - فریدون استاد خسرو	۵	همسره اش فیروزه موبد رستم
۳	قرخ نهاد - رستم خدای جسم داراب	قرخ نهاد - زال استاد بهرام بنامگانه بهشتی دان	
		۵	گوهر خدیوون خسرو

جَلتا	نام	جَلتا	نام
۲۵	قرخ نهاد - رستم خدا بنده	۳	قرخ نهاد رستم بهرام رستم
۲۵	قرخ نهاد - هیران و شهریار پسران رستم پسران	۳	قرخ نهاد - رستم بهرام
۱۵	قرخ نهاد - اردشیر بهرام هر فرد یار تفتی	۳	قرخ نهاد - گودرز هیران اردشیر
۱۵	قرخ نهاد - فریدون و رستم پسران هر فرد یار مایاد	۲	قرخ نهاد - کنخیر و خدا داد بهمن
۱۱	قرخ نهاد - حنا مراد خسرو	۲	قرخ نهاد - شهریار کنخیر و شهریار
۱۰	قرخ نهاد - اردشیر خسرو	۲	قرخ نهاد - سفند یار خدا بخش هیران
۱۰	قرخ نهاد - جمشید موبد اردشیر بهرام فرامرز	۲	قرخ نهاد - شهریار شاه کنخیر و فرمشاهی
۱۰	بنامگاه اردشیر بهرام فرامرز پسرانش	۲	قرخ نهاد - خسرو فریدون خسرو
۱۰	قرخ نهاد - خدا داد شهریار	۱۶۷۲	دهمندان شیراز
۱۰	قرخ نهاد - کنخیر و هیران		
۱۰	قرخ نهاد - کنخیر و منوچهر	۵۰	قرخ نهاد - رستم و خدا یار فرزندان خسرو فریدون
۱۰	قرخ نهاد - کنخیر و بهمن خسرو پولاد	۳۰	قرخ نهاد - سروش بهرام و برادران
	بنامگاه بهشتی سوان پولاد رستم دروش بدستاری	۲۵	قرخ نهاد - ارباب اردشیر بهرام خدا رستم
۱۰	میرزا عبد الله پسرش	۲۵	قرخ نهاد - کنخیر و پسر ارباب رستم شاه جهان
۷	قرخ نهاد - جمشید کنخیر و بهرام	۲۵	قرخ نهاد - کنخیر و هیران (نعمی)

جَلتا	نام	جَلتا	نام
۲۱	قرخ نهاد - جمشید کریمه او بهرام	۵	قرخ نهاد - میرزا عجب‌الله پسر پلاد رستم دروش
۲۰	قرخ نهاد - شهریار خدا بخش و سپهر	۵	قرخ نهاد - خداداد تیر انداز
۱۵	قرخ نهاد - فرزند ان میرزا بهرام گشتاسب	۵	قرخ نهاد - مردمان نوشیردان
۱۵	قرخ نهاد - کینخسرو کیانیان	۵	قرخ نهاد - رستم اردشیر و برادران
	قرخ نهاد - سر و شیار جهانگیر	۵	قرخ نهاد - وفادار مهربان هر مزدیاری آبادی
	بنام خودشان بنام موبد جهانگیر بنام رشید موبد	۵	قرخ نهاد - خدا بخش تیر انداز کالج
	۲ موبد مرزبان جهانگیر	۴	قرخ نهاد - اردشیر مهربان
	بنام سفند یار موبد جهانگیر بنام مرزبان موبد جهانگیر	۳	قرخ نهاد - خدا بنده مهربان مبان مریابادی
	۲	۳	قرخ نهاد - جاماسب پسر دزین آبادی
۱۵	بنام موبد رستم موبد مرزبان بنام و دنیا موبد رستم مرزبان	۳	
	۲	۳۷۸	
۱۰	قرخ نهاد - سر و شیار کابلی	دهشمنان کرمان	
۱۰	شهریار خسرو راوری		
	جهانگیر رستم مهربان	قرخ نهاد - جمشید مهربان رشید	
	بنام خودشان بنام رستم جهانگیر رستم بنام جمشید جهانگیر	بنام خودشان بنام بهشتی روان برادرشان	
۱۰	۲	۲۰	دینیار مهربان
	قرخ نهاد - برزور رستم رشید	بنام بهشتی روان	
	بنام خودشان بنام شهریار رستم بنام سفند یار رستم بنام جهانگیر	برادرشان گودرز مهربان	
۱۰	۲	۱۰	رستم مهربان
	۲	۶	

جَلتا	نام	جَلتا	نام
۳	فرخ نهاد - رستم فرامرز بنام گتاسب فرامرز		فرخ نهاد - جمشید جهانگیر
۳	فرخ نهاد - مهربان بان توی	۸	بنام خودشان بنام سرور خسرو و صندل ۴
۳	« - رستم مهربان	۶	فرخ نهاد - بهمن پیرام پروردگار و ملاهوشنگ پیران
۳	فرخ نهاد - فرزند او کینخسرو بنام بهشتی روان کینخسرو پیران	۶	فرخ نهاد - رشید مهربان و برادران
۳	فرخ نهاد - هر مزدیار نوروز		فرخ نهاد - پیرام خداداد خسرو و صندل
۳	فرخ نهاد - فریدون خداداد	۶	بنام خودشان بنام رستم خسرو و صندل ۳
۲	« - دینیار موبد بهمن بنام رستم بهمن کینخسرو موبد	۵	فرخ نهاد - شهریار کینخسرو پیرامی
۲	« - شهریار موبد و نیسیا	۵	فرخ نهاد - اردشیر رستم اردشیر نصرآبایی
۲	« - کینخسرو نوشیروان	۵	فرخ نهاد - پیرام خداداد پولاد
	« - مهربان خداداد	۵	فرخ نهاد - فریدون کینخسرو فرزند مهربان پیرام یادگار
۲	بنام خودشان بنام بهشتی روان خداداد مهربان	۴	فرخ نهاد - بختیار شیرزاد بنام بهشتی روان اردشیر شیرزاد
۲	فرخ نهاد - خداداد رستم خداداد نورز	۴	فرخ نهاد - خداداد رستم و خداداد پیرام
۲	« - اسفندیار پیرام رشید	۴	فرخ نهاد - خداداد کینخسرو آبادان « خداداد جسم خداداد بخش
۲	رستم نوشیروان	۴	بنام خودشان بنام بهشتی روان پیرام خداداد اردشیر ۲
۲	« زال استاد پیرام	۳	فرخ نهاد - پیرام رستم کریم شهریار

نام	جلتا	نام	جلتا
بنام خودشان بنام رستم پیرام خدا داد	۲	فرخ نهاد - کنیخرو خدا داد پولاد	۲
فرخ نهاد - هرز دیار مهربان	۲	فرخ نهاد - خدا داد و مرزبان	۲
رستم خدا بخش راوری	۲	فرخ نهاد - خدا داد سهراب	۲
پرویز رستم کمدار	۲	فرخ نهاد - رستم خدا داد مراد	۲
موبد ار و شیر موبد فریدون	۲	بنام خدا داد مراد	۲
خدا داد رستم مهربان	۲	جمشید موبد اسفندیار بنام موبد اسفندیار	۲
خدا رستم پرویز	۲	مهربان پیرام رستم و هموید	۲
بنام خودشان بنام پیرام پرویز	۲	دنیار رستم گشتاسب	۲
فرخ نهاد - بهمن خسرو پولاد	۲	کنیخرو و دنیسار بهمن	۲
پیرام خدا بخش	۲	دنیار ار و شیر	۲
فرزندان پیمان پیرام خورشیدی بنام پیمان پیرام	۲	خدا داد و شهریار دلاک	۲
بهمن مهربان و نیسیا	۲	فرخ نهاد - مهربان رشید	۲
واراب خدا داد	۲	بنام خودشان بنام رستم رشید هرز دیار	۲
کنیخرو خدا داد بنام بهشتی روان خدا داد پولاد	۱	فرخ نهاد - مهربان پیرام رستم و هموید	۲
اسفندیار خدا یار کنیخرو	۱	فرخ نهاد - هرز دیار پیرام خدا داد	۲

جَلتا	نام	جَلتا	نام
۱	فرخ نهاد گشتاسب کینخرو اردشیر	۱	فرخ نهاد - خدایار شهریار مراد
۱	• - اردشیر گشتاسب	۱	فرخ نهاد - رشید شهریار
۱	• - نوذر رشید	۱	• - شیرزاد شهریار مهربان
۱	• - مهربان شهریار	۱	• - چنانچش کریدار رشید
۱	• - سهراب نجستیا	۱	• - آذرباد شیرزاد
۱	• - رشید گشتاسب	۱	• - بهرام اردشیر
	دهشندان بمی	۱	• - کینخرو گشتاسب کینخرو
۳۰۰	فرخ نهاد - خدا داد گشتاسب کرمانی کنترا کتر	۱	• - اردشیر بودخسرو بود فریدون
	• - کینخرو رستم جمشید تفتی سردی	۱	• - بنام خسرو بود فریدون
	بنام خودشان بنام بهشتی روانان خد جمشید	۱	• - بنام خدا داد خسرو اردشیر
۱۵۲	دبر مزد یار رستم	۱	• - آذرباد خدا داد جمشید
	۱۰۱	۱	• - اردشیر رستم
	فرخ نهاد - رستم پور بهرام سروش تفتی	۱	• - خسرو اسفندیار
۱۰۶	بنام خودشان بنام بهشتی روان خدا بخش	۱	• - مهربان رشید
	مرزبان تفتی بابا خدانی	۱	• - رستم مهربان
	۱	۱	
۱۰۳	فرخ نهاد - ارباب رستم شاه رخ کرمانی	۱	

جلد	نام	جلد	نام
۵۱	فرخ نهاد - رستم سفید یار اردشیر سنگ خیر آبادی		فرخ نهاد - سفید یار گودرز مهربان
۵۱	بهرام خداداد فرامرز می آبادی	۱۰۲	بنام خودشان بنام جمشید گودرز مهربان ۵۱
	بنام دبیر ستار رستم خداداد فرامرز می آبادی		فرخ نهاد - رشید بهرام
۵۱	فرخ نهاد گتاسب ماندگار بهرام سب آبادی		بنام اردشیر مهربان رشید بهرام بنام بهرام خدام اولاد دلبران
۵۱	دینشاه جی جی بای ایرانی	۱۰۲	۵۱
۵۱	جهن اردشیر مهربان	۱۰۱	فرخ نهاد - خداداد مهربان خدابخش بهرام زری آبادی
۵۱	ماهیار نوشیروان بهرام زری آبادی		فرخ نهاد گتاسب رستم خداداد شهر بمان بنام بهشتی
۵۰	شاه پور کنخسرو اردشیر کوچه بسکی	۱۰۱	روان خداداد شهر بمان کوچه بسکی
۳۰	بهرام رشید کرمانی	۱۰۱	فرخ نهاد - رستم مرزبان نوشیروان بهرام زری
۲۵	دینیار مهربان شهریان منوچهر زری آبادی	۱۰۱	پستن جی دوسا بای مارکر
۲۵	حاجی حسن ضای شاهپور تفتی بابا خندان	۱۰۱	مهربان ماندگار بهرام سب خیر آبادی
۲۰	جمشید نامدار جمشید کنویه	۱۰۰	خدا هم مرزبان تفتی و نامدار مرزبان تفتی
۲۰	موید اردشیر موید جمشید	۵۶	خدابخش شهریار مرزعه کلانتری
۲۰	جمشید مرزبان ظهرا ب تفتی بابا خندان	۵۱	خسرو موید جمشید بهرام
۲۰	بهرام مرزبان ظهرا ب تفتی بابا خندان	۵۱	بهرام نوشیروان بهرام زری آبادی

جَلتا	نام	جَلتا	نام
	فرخ نهاد - دولت مام کنوید بنام رستم مهر باب	۱۰	فرخ نهاد - شهردان رشید شهردان
۱۰	فرامزایرستانی	۱۰	• - پیر و خدا بخش بهرام شهر یا الله آبادی
۱۰	فرخ نهاد جمشید پیر و خدا بخش فرود زرسی آبادی	۱۰	• - رستم دینیار نوشیروان زرسی آبادی
۱۰	• - رستم خدا بخش رستم فرود زرسی آبادی	۱۰	• - جمشید بیان ماندگار مبارکه
۱۰	• - جمشید موبد کینخرو بنام بهشتی روان	۱۰	• - رستم گشتاسب کرمانی
۱۰	موبد بهمن خندامراد	۱۰	• - بهرام رستم خرمشاهی
۱۰	فرخ نهاد - شهریار هرمز دیار کرمانی	۱۰	• - رستم اسفندیار کرمانی
•	• - شهراب هرمز دیار شهریار کوچی بنام	۱۰	• - بهرام شهریار مهراب کرمانی
	بهشتی روان زربانو اونداد مهر باب	۱۰	• - موبد سیاوش موبد مهرگان
۱۰	کوچی	۱۰	• - موبد جمشید رستم نهراب
۷	فرخ نهاد - آقا رستم هرمز دیار بهمن	۱۰	• - موبد اردشیر موبد فرخ
•	• - موبد کیومرث موبد جانش	۱۰	• - بهرام خدا داد تفتی سردی
	بنام خودشان بنام بهشتی روان اورمز دیار	۱۰	• - خدایار جهانگیر رستم پیر و الله آبادی
	موبد جانش	۱۰	• - دینیار موبد رستم و پیران
	۳	۱۰	• - خدارحم خدا داد بهرام آدر کرمانی
۷	بنام بهشتی روان بهمن خدا داد		
	۲		

جَلتا	نام	جَلتا	نام
۵	قرغ نہاد۔ ہریان جاوندو شیروان اللہ آبادی	۵	قرغ نہاد۔ خسرو شہر پیرستم محلتی
۵	۔۔۔ اسفندیار جہان بخش کرماتی	۵	بنام خودشان بنام بہشتی روان شہر پیرستم
۵	۔۔۔ شاہ فریدون موبد کنجیر و بنام بہشتی روان	۶	بنام شیرین خدا بخش فراد محلتی
۵	فیروزہ موبد خدارحم	۶	قرغ نہاد۔ موبد رستم و موبد ہیرام فرزندان موبد
۵	قرغ نہاد۔ ہرمز دیار بھاونڈا اللہ آبادی	۶	اور مز دیار جیشید
۵	۔۔۔ ہیرام خدا داد و تختیا	۵	قرغ نہاد۔ رشید دستور شہر پیر با فرزندان
۵	۔۔۔ ہیرید ہرگان موبد سیاوش	۶	خوشید بانو و بانو
۴	قرغ نہاد۔ ہریان و رستم بہر و میان تفتی سردی	۵	قرغ نہاد۔ استاد ہیرام اردو شیر بہ خوشی
۴	قرغ نہاد۔ رستم ہریان قاسم آبادی	۵	۔۔۔ کنجیر و رشید اللہ آبادی
۴	۔۔۔ شاہ ہیرام موبد بہمن ہیرام گشتاسب	۵	۔۔۔ خدارحم پولا و ترک کسویہ
۴	۔۔۔ خدانبدہ ہیرام خدا بخش محلتی	۵	۔۔۔ ہیرام موبد رستم ایرانی
	قرغ نہاد۔ کادس ماندگار اہرستان	۵	بنام خودشان بنام بہشتی روان بنیاد موبد رستم
	بنام خودش		
	بنام مرحوم چنان بخش ماندگار اہرستان	۵	قرغ نہاد۔ وفادار ہرمز دیار بند تفتی سردی
۴	بنام مرحوم کنجیر و ماندگار اہرستان	۵	۔۔۔ جمشید ہیرام رستم جانفر و جعفر آبادی

جَلتا	نام	جَلتا	نام
۲	فتح نهاد - بهرام مال سرخاب اهرستانی	۳	فتح نهاد - موبد فریدون موبد جمشید
۲	• - هیران کنخیر واروشیر جعفر آبادی	۳	• - بهرام رستم کنخیر جعفر آبادی
۲	• - فریدون خسرو خسرو هیران پشوتن خورشاهی	۳	• - خدا بخش اسفند یار شهریار الله آبادی
۲	• - بهرام تیرانداز مسبارک	۳	• - فریدون خدا بخش پولاد شرف آبادی
۲	• - اردوشیر رستم دینیار محلی	۳	• - خسرو موبد جمشید
۳	• - خدامراد دینسیار هیران چپی	۳	• - کنخیر واروشیر هیران بهر و تفتی راحت آبادی
۲	• - خداداد خدا بخش خسرو چپی	۳	• - رستم بیان بهرام کدم خورشاهی بنام بهشتی
۲	• - هیران رستم اردوشیر شرف آبادی	۳	روان بیان بهرام کدم خورشاهی
۲	• - فریدون خدا بخش شرف آبادی		فتح نهاد - کنخیر رستم مزرعه کلانتری
۲	بنام خدا بخش پولاد	۳	بنام جمشید رستم مزرعه کلانتری
	فتح نهاد - هیران رستم اردوشیر شرف آبادی	۳	بنام خداداد رستم مزرعه کلانتری
۲	بنام همین رستم اردوشیر شرف آبادی	۳	• - دینسیار شهریار رحمت آبادی بنام شهریار
	فتح نهاد - هیران رستم شرف آبادی	۲	دینیار رحمت آبادی
۲	بنام خسرو رستم اردوشیر شرف آبادی	۲	فتح نهاد - هر مزد یار سلامت خسرو خورشاهی
	فتح نهاد - هیران رستم شرف آبادی	۲	• - هیران خداداد ولی سردی تفتی
۲	بنام خدامراد اردوشیر شرف آبادی	۲	• - هیران خدائیده خورشاهی

جَلتا	نام	جَلتا	نام
	قرخ نهاد - فریدون خدا بخش شرف آبادی	۳	قرخ نهاد - خدامراد پاس زین آبادی
۱	بنام اردو شیر پر دام اردو شیر جهان شرف آبادی	۳	بجان هراس مبارک
۱	قرخ نهاد - فریدون آبادان و دنیا شرف آبادی	۳	پر دام رستم فرزند کلاتری
	قرخ نهاد - فریدون آبادان و دنیا شرف آبادی	۳	ترک پولاد ترک کسنویه
۱	بنام دنیا پرورد و دنیا شرف آبادی	۳	شهر وان چشمید نامدار کسنویه
۱	قرخ نهاد - خسر و خدا بخش حکیم	۳	خدا بخش مرزبان هریان آبادی
۱	قرخ نهاد - رستم هرزدی اردو شیر غایب کج چرکی	۱	رستم کجسر و جعفر آبادی
	قرخ نهاد - اردو شیر شهریار بنام بهشتی روان		قرخ نهاد - جهان رستم شرف آبادی
۱	شهریار تیرانداز مریا آبادی	۱	بنام اردو شیر خسر و رستم شرف آبادی
		۱	قرخ نهاد - اردو شیر خدا داد شرف آبادی
			قرخ نهاد - اردو شیر خدا داد شرف آبادی
		۱	بنام رستم خدا داد شرف آبادی
			قرخ نهاد - اردو شیر خدا داد شرف آبادی
		۱	بنام خدا داد خسر و شرف آبادی
		۱	قرخ نهاد - فریدون خدا بخش شرف آبادی بنام
		۱	بنام فرهاد شرف آبادی

مقتدر نمود این بنده افلاطون کبیر و شایخ در شماره ۷۵، مجلی استریت فریت بمبئی
 و در چاپخانه مظفری در شماره (۱۳۳) میرزا علی استریت عمر کادی بمبئی بسرکردگی
 فرخ نهاد میرزا احمد بازرگان شیرازی چاپ شد ساله فروردینماه

۱۲۹۱ باستانه برابر محرم